

تراکم جمعیت و امنیت داخلی ایران



□ محمدصادق کوشکی*

مقدمه

رفته و نقش و تأثیر سایر عوامل مؤثر بر امنیت نباید نادیده انگاشته شود).

مفاهیم اصل این بحث به صورت ذیل تعریف می‌شوند:

۱- عوامل مؤثر بر تراکم جمعیت

۱- تراکم جمعیت: شمار شهروندان ساکن در یک کیلومتر مربع به صورت C / km^2

عوامل مؤثر بر ایجاد تراکم جمعیت عبارتند از:

۲- امنیت داخلی: حالتی که طی آن شهروندان و حکومت برای برخورداری از کلیه حقوق قانونی، شرعی و عرفی خود با مانعی روبرو نشوند.

الف) شرایط اقلیمی (میزان بارش سالیانه، استعداد خاک منطقه، دمای هوا و میزان وقوع حوادث طبیعی)

فرضیه بحث: تراکم جمعیت (عامل متغیر) بر امنیت داخلی (یعنی عامل ثابت و در این جا امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران) تأثیر منفی بر جای می‌گذارد و میان تراکم جمعیت و

ب) شرایط معیشتی (فرصتهای شغلی، امکانات رفاهی، بهداشت، آموزش و امنیت)

ناامنی رابطه مستقیم و میان تراکم جمعیت و امنیت داخلی رابطه معکوس وجود دارد. (باید توجه داشت که این رابطه تا حد معینی معنی دار بوده و در صورت خروج از آن حد، معنی خود را از دست خواهد داد. همچنین تراکم جمعیت صرفاً یکی از عوامل دخیل و مؤثر در مقوله امنیت داخلی به شمار

در این بحث، تراکم ناشی از شرایط معیشتی مورد نظر می‌باشد به این معنی که وجود فرصتهای شغلی و امکانات قابل توجه رفاهی - آموزشی، بهداشتی و امنیتی، باعث جذب جمعیت به یک نقطه مسکونی شده (منظور یک کلان شهر با ابعاد جمعیتی تهران و یا مانند آن

* دانشجوی دکتری فلسفه سیاسی در پژوهشگاه علوم انسانی

امکانات زیستی و طبیعی باعث بر هم خوردن تعادل اکولوژیک منطقه شده و دولت در برآورده ساختن ضروریات زندگی اجتماعی با مشکلاتی جدی و در برخی مواقع حل ناشدنی روبرو خواهد شد که در چنین صورتی امکان بروز شورشهای وسیع اجتماعی و سیاسی بشدت افزایش خواهد یافت.

۲- بحران هویت: جذب جمعیت به

یک نقطه خاص و ظهور تراکم جمعیتی در آن نقطه موجب می شود تا شهروندانی با هویت‌های گوناگون قومی، مذهبی، طایفه‌ای و منطقه‌ای در آن نقطه متراکم شده و به تدریج هویت خود را از دست بدهند. این روند (حذف تدریجی هویت‌های متعدد) به این دلیل رخ می دهد که تراکم جمعیت مجال ظهور و بروز را از هویت‌های گوناگون و پراکنده سلب می کند و چون از طرح یک هویت یکسان جایگزین نیز ناتوان می ماند، از این رو بخش عمده جمعیت متراکم در آن نقطه دچار بحران هویت شده و این بحران هویت سرمنشأ بروز اختلال در امنیت (خصوصاً در سطح فردی آن) می گردد که این، گسترش ناامنی در آن جامعه را در پی می آورد (این گسترش بیشتر به شکل ارتکاب جرائم فردی (نظیر سرقت، قتل و مزاحمت‌های

است) و در نتیجه یک بافت جمعیتی متراکم به وجود خواهد آمد. این جمعیت متراکم در حکم یک زمینه مساعد در جهت رشد ناامنی در دو سطح اجتماعی و فردی عمل کرده و باعث کاهش امنیت داخلی در حوزه فردی (رشد جرائم) و حوزه اجتماعی (بروز بحرانهای شهری و شورشهای اجتماعی و سیاسی) خواهد شد.

۲- آثار امنیتی تراکم جمعیت

تراکم جمعیت به اشکال زیر بر امنیت داخلی تأثیر منفی خواهد داشت:

۱- برآورده نشدن نیازها: بشر برای ادامه بقا نیازمند رفع پاره‌ای از نیازهاست. این نیازها ممکن است ضروریات اولیه (آب و غذا) یا ضروریات ثانویه (لباس، مسکن و درمان) و یا ضروریات اجتماعی (آموزش و تحصیل، اشتغال) باشد. در هیچ حالتی نمی توان تصور کرد که بشر بدون ضروریات اولیه مانند آب یا غذا امکان ادامه حیات داشته باشد در حالی که تراکم جمعیت می تواند در راه فراهم ساختن این ضروریات موانعی جدی ایجاد کند. در چنین وضعی ترکم جمعیت در منطقه‌ای محدود از لحاظ

۲۸۹ کنترل‌کننده این مجال را دارند تا همگام با نیازهای امنیتی و اجتماعی جامعه رشد یافته و حافظ نظم و امنیت باشند. این عامل در کنار سایر موانع کنترل اجتماعی در جوامع پرتراکم، مانند دشواری در رفت و آمد نیروهای کنترل‌کننده و حضور نیافتن به موقع آنها در مناطق مورد نیاز (بحرانهای شهری و شورشهای اجتماعی و سیاسی و یا جرائم اجتماعی مانند سرقتهای مسلحانه و مانند آن) ظاهر می‌شود. (همچنین دشواری شناسایی و تعقیب مجرمان به دلیل ازدحام و تراکم جمعیت نیز از اجزای این عامل به شمار می‌آید)

۴ - تراکم عوامل ناامنی: تراکم جمعیت به خودی خود باعث تراکم نقاط و مناطقی می‌شود که به صورت بالقوه خاصیت امنیت‌زدایی دارند مانند تراکم دانشگاهها و مراکز آموزش عالی، تراکم کارخانه‌ها و مجامع کارگری و یا تراکم پادگانها و نیروهای نظامی که تراکم این نقاط در یک منطقه محدود می‌تواند در پاره‌ای از مواقع به شدت به بروز و گسترش ناامنی دامن بزند.

۵ - تراکم مجرمان و متخلفان: هر بافت جمعیتی به صورتی طبیعی حاوی مقادیری عناصر مخل امنیت (مانند مجرمان اجتماعی و اپوزسیون سیاسی)

اجتماعی و اخلاقی) بروز می‌یابد. این فرآیند در حالی است که در مناطق کم تراکم مانند روستاها و شهرستانهای کوچک، شهروندان به دلیل برخورداری از یک هویت معین (هویت خانوادگی، خویشاوندی، قبیله‌ای یا طایفه‌ای) و شناخته شده بودن در میان جمع، کمتر مجال ارتکاب جرائم را پیدا می‌کنند، چرا که هویت آنها به مثابه یک عامل بازدارنده در قبال میل به ارتکاب جرائم به ایفای نقش می‌پردازد. اما این مانع در مناطق پرتراکم (مانند تهران بزرگ) معنای خود را از دست داده و دیگر اشخاص، ترسی از لکه‌دار شدن هویت خود و یا خانواده و فامیل خود نداشته (در مقایسه با مورد پیشین) و از این رو میزان ارتکاب جرائم و بروز ناامنی تا حدود زیادی افزایش می‌یابد.

۳ - عدم کنترل: وسایل و نهادهای کنترل‌کننده اجتماعی (نیروهای امنیتی و انتظامی و امکانات مربوطه) هیچ‌گاه از آن توان برخوردار نیستند تا همپای گسترش تراکم جمعیت به گسترش سازمان و امکانات خود بپردازند و بدین لحاظ معمولاً با عقب ماندن از روند تراکم جامعه قدرت کنترل آن را تا حدود زیادی از دست می‌دهند در حالی که در یک منطقه کم‌تراکم، نیروهای

است. حال هر چه در یک محدوده معین بر تراکم جمعیت افزوده شود به شکل طبیعی، شمار عناصر اخلاک‌گر در امنیت بالا می‌رود، که همین امر خود عامل ایجاد ناامنی روانی در میان شهروندان جامعه پرتراکم خواهد شد (مشاهدات شهروندان از ارتکاب جرائم متعدد اجتماعی و سیاسی در یک زمان معین، امنیت ذهنی و روانی موجود در جامعه را تا حدود زیادی خدشه‌دار می‌کند؛ فرضاً در شهری مانند تهران یک شهروند ممکن است در یک روز خبر وقوع قتل‌های متعددی را بشنود و یا حتی ناظر وقوع آنها باشد در حالی که شهروندی که در یک محیط کم‌تراکم زندگی می‌کند ممکن است در طول زندگی خود موارد بسیار معدودی از جرائم اجتماعی یا سیاسی را شاهد باشد)

علاوه بر عوامل فوق می‌توان به پدیده‌هایی مانند شیوع قاچاق و مصرف مواد مخدر در مناطق پرتراکم و یا برگزاری برنامه‌هایی مانند مسابقات ورزشی با حجم بالای تماشاچی که خود زمینه بسیار مساعدی را جهت بروز آشوب‌های اجتماعی و سیاسی فراهم می‌آورد و همچنین به امکان فعالیت گروه‌های اپوزیسیون غیرقانونی و

برانداز در مناطق پرتراکم به دلیل ضعف دستگاه‌های کنترل و شیوع نارضایتی شهروندان اشاره کرد.

۴- راهبردها

راهبردهای مطرح شده در این بحث دو هدف را دنبال می‌کند: نخست توقف روند افزایش تراکم و در مرتبه بعد مهار تراکم و کاهش تراکم تا مرز وصول به یک تراکم معقول و منطقی.

روشهای پیشنهادی این بحث جهت تعقیب اهداف فوق عبارتند از:

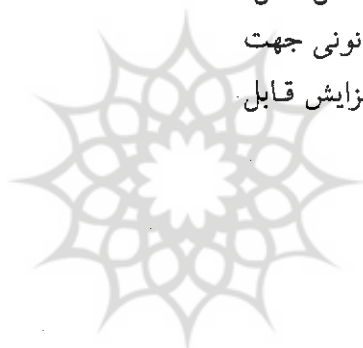
۱- محدود ساختن مراکز جذب‌کننده جمعیت جوان (به منطقه پرتراکم) به جذب نیروهای صرفاً بومی مانند دانشگاهها، پادگانها و سایر نهادهای استفاده‌کننده از خدمت وظیفه عمومی (دانشگاهها و نهادهای نظامی و انتظامی صرفاً از میان دانشجویان و مشمولان بومی تهرانی مجاز به گزینش دانشجوی و سرباز شوند)

۲- ایجاد اشتغال و امکانات معیشتی (آموزشی، بهداشتی و رفاهی) در سایر نقاط کشور با این دیدگاه که نبود سرمایه‌گذاری در این زمینه، مستلزم سرمایه‌گذارهای بسیار کلان در آینده در جهت رفع مشکلات اولیه مناطق

پرتراکم خواهد بود (مانند سرمایه‌گذاری چند میلیارد دلاری جهت کاهش آلودگی هوای تهران در حالی که با میزان بسیار کمتری از این حجم سرمایه، ایجاد اشتغال در مناطق دافع جمعیت در سالهای گذشته ممکن می‌نمود).

۳- سخت کردن شرایط زیست در مناطق پرتراکم در یک روند تدریجی و حساب شده مانند دریافت هزینه‌های اداره شهر از شهروندان به شکل کامل، افزایش مالیاتها و عوارض قانونی جهت ساکنان مناطق پرتراکم، افزایش قابل

توجه موارد کیفی (مانند جریمه‌های راهنمایی و رانندگی) در مناطق پرتراکم. ۴- منطقه‌ای کردن امور و تمرکززدایی اداری مانند تبدیل مناطق مختلف کشور به قطبهای آموزشی، فرهنگی، کشاورزی، تجاری و صنعتی با توجه به استعدادهای هر منطقه و جلوگیری از تجمع قطبها در مناطق پرتراکم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی